

عبد الله شادان:

" کفتربازان تصویری از زنده گی خانواده یک راننده موتو لاریست که در فقر و تنگدستی در چهلتن در حوالی شهر کابل زنده گی میکند و شب تهمیدی مردی زورگو و زنباره بنام بلال که چشم به نازک بدن دختر جوان خانواده دارد به زنده گی شان سایه افکنده است. عین الله پدر خانواده که راننده لاریست با لالو پسرش تصمیم میگیرند چهلتن را ترک کنند و خانه بی در کوه سنگی کرایه کنند. عین الله و لالو که هر دو کفتربازان حرفه بی و ماهری هستند در کوه سنگی با کفترباز دیگری بنام رییس افشاری یا شاه افضلی آشنا میشوند. رییس افشاری که مردی زنباره ، شرابخوار، محیل و در عین زمان در برابر مقامات بالایی دولتی متملق و چالوس است با نازک بدن که خیلی جوانتر از اوست عروسی میکند. پس از این وضع زنده گی خانواده عین الله سر و سامانی پیدا میکند ، از فقر بدر می آیند و لالو که تا صنف نه درس خوانده است به مدیریت اداری و سرانجام به ریاست میرسد. ببو مادر خانواده از زن فقیری که دم موش در کندوی آردش سفید نمیشد چنان تغییر میکند که دیگر در موتر جیب نمینشیند و همواره دستور میدهد که برایش موتر والگاہ بیاورند و بر سایر زنان خرده میگیرد و انتقاد میکند ؛ اما این پیوند و تغییر در اثر حسادتها ، شکها و بد بینیها به تراژیدی میرسد .

رمان ریالستی "کفتربازان" تصویر زیبایی از زنده گی قشرهای محروم و متوسط جامعه ارایه میدهد. از لحاظ کاربرد واژه های عامیانه ، ضرب المثلهای مروج در زبان دری فارسی ، اصطلاحات کفتربازی و گدی پرانبازی بسیار غنی است . رسم و رواجها و عقاید و باورهای مردم نسبت به اشیا در آن بطور گسترده بی بازتاب یافته است

"...

